

محورهای تولید مستند هوش مصنوعی و تمدن اسلامی

این مستند بیست دقیقه‌ای رابطه هوش مصنوعی با تمدن اسلامی را ترسیم کرده و قابلیت‌هایی از هوش مصنوعی را نمایش می‌دهد که می‌تواند در ساخت تمدن به کار گرفته شود. برای دستیابی به فیلمنامه ضرورت دارد ابتدا پرسش‌هایی پاسخ داده شود.

✓ ارائه تعریفی از هوش مصنوعی منطبق با رویکرد سند راهبردی

هر انسانی معمولاً می‌تواند با دستان خود ۳۰ کیلوگرم بار را بلند کند. می‌تواند تا یک کیلومتر را راه پیاده طی کرده و به مقصد خود برسد. اما اگر وزن بار به یک تن برسد، اگر مسافت و فاصله بشود ۱۰۰ کیلومتر، دیگر نه دست او توان برداشتن دارد و نه پای او توان راه رفتن.

ابزار امتدادی از اندام بشر است. انسان برای بلند کردن بارهای سنگین قرقه مرکب را اختراع کرد و امروزه جرثقیل‌ها برای این منظور تولید می‌شوند. برای طی مسیرهای طولانی نیز دست به ساختن گاری زد و امروزه خودروها، قطارها و هواپیماها به این هدف ساخته می‌شوند.

ذهن انسان نیز کارهایی انجام می‌دهد و توانایی‌هایی دارد، مانند: محاسبات ریاضی، درک مفاهیم از میان سطور نوشته‌ها، درج مفاهیم در قالب کلمات و واژگان و ساخت عبارات و جملات، شناخت آدم‌ها و اشیاء از میان تصاویر، حفظ خاطرات و تجربیات، یادگیری رفتارهای تازه از طریق مشاهده و تصمیم‌گیری.

برای امتداد توانمندی محاسباتی ذهن توانستیم ماشین حساب بسازیم و بعدتر رایانه‌ها را. امروزه هوش مصنوعی یا در عنوانی خلاصه «هومص» تلاش می‌کند فعالیت‌های ذهن را با سرعت و دقت بیشتری به انجام رساند. بنابراین در یک عبارت می‌توان آن را این‌طور تعریف کرد:

«هر موجود غیرزنده‌ای را که رفتارهایی مشابه ذهن داشته باشد هومص می‌نامیم»

✓ چگونگی اثرپذیری دنیای کنونی با هوش مصنوعی براساس سند راهبردی غربی

در غرب به دلیل حذف معنویات از علوم تجربی و رواج مبانی ماده‌گرایانه در سراسر علوم؛ ماتریالیسم، عملاً رفتارهای ذهن انسان از «روح» گرفته شده و به «جسم» واگذار شد. پس دانشمندان غربی تلاش کردند مانند نیروی حرکتی که در ماهیچه پیدا شد، نیروی ذهنی را نیز در جایی از جسم بجویند. کجا بهتر از مغز؟

علوم شناختی امروزه این وظیفه را در غرب دارد، تا رفتارهای ذهنی بشر را از شناخت گرفته تا یادگیری و حافظه، در لابه‌لای سلول‌های مغزی پیدا کند.

از این منظر، این‌که تمامی فعالیت‌های ذهنی انسان منحصر در بخشی از جسم به نام نورون‌های عصبی یا همان سلول‌ها و یاخته‌های مغز و نخاع خلاصه گردد، این امید را پدید آورد که می‌توان با تقلید از شبکه عصبی انسان به تولید و اختراع هومص‌هایی دست پیدا کرد که بتوانند مانند انسان و بلکه بهتر از او بیان‌دیشند و تصمیم بگیرند.

در نگاه غربی هوم‌ص می‌تواند روزی به «خودآگاهی» برسد و در این صورت هیچ تفاوتی با انسان نخواهد داشت و حتی بهتر از انسان خواهد بود.

✓ چگونگی مواجهه تمدن بشری با هوش مصنوعی در زمان حال و آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد

بشر غربی سه ترس عمده از هوم‌ص دارد و این ترس را در فیلم‌هایی که می‌سازد نشان داده است.

نخست ترس از برتری‌ست. هوم‌ص با سرعت بیشتری که در محاسبات ذهنی دارد و حافظه‌ای دقیق‌تر و بهتر از انسان، می‌تواند راهکارهایی را پیدا کند برای به بردگی کشیدن انسان. همان‌طور که انسان به دلیل قوای عقلی خود توانست حیوانات را مسخر خود کرده و از آن‌ها بیگاری کشد، پرورش دهد، پروار بندی کند، اصلاح نژاد نماید و اهلی نماید، درست مثل عملی که با گیاهان و درختان انجام می‌دهیم، هوش مصنوعی روزی خواهد توانست ما را برای خود اهلی کند! این مضمون را در فیلم «ماتریکس» می‌بینیم.

نگرانی دوم از خودآگاهی هوم‌ص در مرگ و نابودی بشر نهفته است. فیلم «من یک روبات هستم» این ترس را نشان می‌دهد که هوم‌ص می‌تواند با محاسبات فراوان آینده را پیش‌بینی کند و روزی به این نتیجه برسد که انسان با آسیب زدن به محیط‌زیست در حال نابودی همه‌چیز از جمله خود است. آن روز هوم‌ص تصمیم می‌گیرد انسان را منقرض سازد!

ترس سوم غرب از هوم‌ص را در فیلمی مانند «او» می‌توان دید. جایی که یک مرد هنگام استفاده از هوم‌ص تعبیه شده در تلفن همراه خود گرفتار عشق می‌شود؛ عشق به صدایی که از تلفن می‌شنود.

آنچه امروز در توان هوم‌ص یافت می‌شود قدرت بر محاسبات سریع، یادگیری عمیق و تحلیل داده‌های بزرگ است که کارآمدی فراوانی برای بشر دارد. هوم‌ص دسترسی ما به اطلاعات را سرعت می‌بخشد و نیاز ما را به جستجوهای طولانی کم می‌کند. زیرا می‌تواند داده‌های مورد نیاز را بهتر از ما طبقه‌بندی کرده و در اختیار گذارد.

✓ مبحث تکنیکال بودن و یا تهدید محور بودن هوش مصنوعی، چیزی است که باید پژوهش عمومی شود و یا اینکه

براساس سند راهبردی، اطلاعات کافی دریافت خواهیم کرد؟

باورهای معنوی ما حاکی از آن است که جایگاه ذهن در جسم نیست و جایی در روح بشر دارد. اگر بر این باور پایبند باشیم، می‌دانیم و یقین داریم که هوم‌ص هرگز به خودآگاهی نرسیده و قادر به تصمیم نیست. اگر خطری از جانب هوم‌ص انسان را تهدید کند، مانند: بمب اتمی، ناشی از فردی خواهد بود که کلید آن را خواهد فشرد!

هوم‌ص یک ابزار فنی‌ست، مانند: سایر فناوری‌هایی که می‌شناسیم. همان‌طور که آن فناوری‌ها توانست تانک‌های مقاوم و موشک‌های مخرب تولید کند، این فناوری نیز می‌تواند به ساخت ابزارهایی منتهی شود که قدرت فراوانی در اختیار انسان قرار دهد. هر ابزاری از یک سو فرصت است و از سوی دیگر، تهدید. هوم‌ص نیز جنبه فرصت و تهدید را همواره با هم خواهد داشت. این مطلب به قدری روشن است که نه نیاز به پژوهش دارد و نه مطالعه سند راهبردی.

✓ توضیح مسیر راهبردی ما و توجیه اینکه چگونه می‌توانیم یک LLM بومی داشته باشیم

نخستین جستجوگرهای اینترنت فقط به زبان انگلیسی کار می‌کردند. آن روزها راهی برای جستجو در منابع فارسی اساساً وجود نداشت. در داخل کشور ما هم انگیزه و بودجه کافی برای تولید جستجوگر فارسی یافت نمی‌شد.

اما زمان زیادی به طول نیانجامید که گوگل در سال ۲۰۰۱ تمامی زبان‌های زنده دنیا را به عرصه جستجو آورد و ما با شگفتی دیدیم که می‌توانیم در سایت‌های فارسی خودمان هم با گوگل جستجو کنیم.

همین بلا سر هومص هم آمده است. ما آنقدر تأخیر داشتیم که امروز شاهدیم هومص های تعاملی مانند ChatGPT زبان فارسی را به ابزار خود اضافه کرده اند و هر فارسی زبانی می تواند با آن تعامل داشته باشد. فارسی آن نیز به حدی کارا آموزش داده شده که اصطلاحات خیلی رایج و عامیانه را نیز می تواند پردازش نماید.

ما اگر قصد داشته باشیم در فناوری هومص حرفی برای گفتن داشته باشیم، در آینده نزدیک، باید استفاده از ابزارهای خارجی را متوقف سازیم و از صفر شروع به تولید نرم افزار و الگوریتم های هومص کنیم. این تجربه در تولید موشک و پهپاد به داد ما رسید و امروزه حرفی مستقل از سایر کشورها برای گفتن داریم.

یک روز قصد کردیم سیستم عامل ملی بسازیم و پروژه ای در دانشگاه شریف کلید خورد. فارسی سازی لینوکس. پروژه ای که متوقف شد و به سرانجام نرسید. چه کسی حاضر است وقتی ویندوز رایگان دارد، از لینوکس فارسی شده استفاده کند؟!

امروز اگر به جای استفاده از مثلاً «الاستیک سرچ» یا دیگر ابزارهای روز دنیا، سرمایه گذاری کرده و از بام بسم الله شروع به نوشتن کدهای هومص کنیم، قطعاً یک دهه بعد مستقل از کشورهای دنیا می توانیم سامانه های زبان شناسی و معناگرایی اختصاصی خود را داشته باشیم و هر روز به سایت های شرکت های خارجی نگاه نکنیم با این انتظار که: پس کی آپدیت آن می رسد؟!

✓ **توجیه ریشه های سند راهبردی که شامل ساخت ابزار هوش مصنوعی بومی، توجیه علمی و فقهی، بحث محور مقاومت و...**

ابزارهای بزرگ هومص امروزه در دنیا از طریق کنسرسیوم ها تولید می شود. یعنی اتحاد میان شرکت های بزرگ. زیرا هومص نیاز به داده های حجیم دارد و این بیگ دیتاها بایستی در اختیار تمامی شرکت هایی که می توانند در هومص کد بزنند قرار گیرد.

پس نخست باید اتحادیه ها شکل بگیرد، تا همکاری ها پدید آید و پروژه های مشترک. دیگر نفی کپی رایت و کنار گذاشتن حقوق معنوی داده هاست. برای این که شرکت ها بتوانند با استفاده از این داده های حجیم و کنار هم گذاشتن آن ها ابزارهای خود را آموزش داده و ترین کنند و به الگوریتم های جدید هومص دست یابند.

✓ **روایت نو از هوش مصنوعی بر پایه تفکر انقلاب اسلامی**

انقلاب اسلامی از ابتدا نشان داد که بر سر استفاده از فناوری های روز دنیا دگم نیست و کینه توزی نمی کند. از هر ابزاری که شرعاً مجاز باشد استفاده می کند. بمب های اتمی و شیمیایی و میکروبی به دلیل کشتار جمعی غیر شرعی محسوب می شوند و هرگز در دستور کار انقلاب قرار نمی گیرند. اما همین فناوری اتمی برای تولید برق و الکتریسیته مورد استفاده است.

هومص نیز مانند سایر فناوری هاست و با انقلاب هیچ زاویه منفی ندارد. مگر آن بخش توهمی آن که روزی می تواند خود آگاهی به دست آورد و مستقل از انسان عمل کند که با باورهای دینی و معنوی نمی سازد.

✓ **چگونگی شبکه سازی و جریان سازی بر اساس سند راهبردی**

همکاری انسان از همفکری آغاز می شود. افراد یا شرکت ها؛ شخصیت های حقیقی یا حقوقی، تا زمانی که مشابه هم نیاندیشند مشابه هم عمل نمی کنند و با هم همکاری نمی شوند. افرادی که همکاری نشوند، طبیعتاً با هم شبکه نخواهند شد و کار خود را با دیگری به اشتراک نمی گذارند.



اگر شرکت الف به دنبال درآمد بیشتر باشد، ولی شرکت ب به دنبال خدمت به بشر، این تفاوت در اهداف و شیوه تفکر مانع همکاری شده و حتی اگر چند گام با هم پیش بروند، به زودی گسسته خواهند شد، زیرا اولویتهای متفاوتی دارند.

برای شبکه‌سازی هومص نیز همین روند اتفاق می‌افتد. باید هدف و آرمان‌ها کاملاً مشخص شود و به صورت شفاف بیان گردد. شفافیت و عدم پرده‌پوشی در اهداف و برنامه‌ها سبب می‌شود تا آدم‌های همفکر بیایند و آدم‌های غیرهمفکر بروند. این اتفاق مبارکی است. زیرا افرادی که هدفی متفاوت دارند، بودنشان آسیب می‌زند و فقدان افراد همفکر نیز ظرفیت‌ها را می‌سوزاند و حیث می‌سازد.

جریان‌سازی با بیان روشن هدف‌ها آغاز می‌شود، درست مثل نهضت انقلاب اسلامی که با همین شفافیت نزع گرفت و پرچمی بالا رفت که هر که با آن موافق بود زیر آن گرد آمد. ما نیز به عنوان راهبرد خود، اگر اهداف و آرمان‌ها را شفاف عرضه نماییم، موجی از همراهان شکل می‌گیرد که شبکه نیروهای انسانی همکار را پدید می‌آورد.

